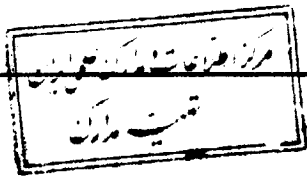


۲۰۱۷۸



۱۳۷۵ / ۲ / ۲۹

دانشگاه قم

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (گرایش علوم قرآنی و حدیث)

موضوع:

بررسی نشانه‌ها و روشهای تربیتی مربوط به
زندگی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع)
در قرآن کریم

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین ابوالقاسم وافی

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر

پژوهشگر:

پروین پورمعراج

شهریور ۱۳۷۷

تقديم به :

پيشگاه انبياء و اولياء الهى به ويژه
خاتم آنان حضرت محمد (ص) و همچنين
حضرت ابراهيم (ع) و حضرت موسى (ع)

تشکر و قدردانی

با حمد و سپاس بیکران از خداوند متعال که به انسان علم و حکمت اعطاء فرمود بر خود لازم می‌دانم که به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از راهنمائیهای صادقانه و مدبرانه جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای وافی بعنوان استاد راهنمای پایان نامه خود و همچنین راهنمائیهای جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر نقی پور فر که اینجانب را در انجام این تحقیق یاری نموده‌اند کمال تشکر و قدردانی را بنمایم انشاء الله خداوند به این دو بزرگوار اجر جزیل عطا فرماید.

پروین پورمعراج

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات

(گرایش علوم قرآنی و حدیث)

شهریور ۱۳۷۷

چکیده

تعلیم و تربیت به عنوان یک دانش و فن تخصصی که می‌تواند نقش بسزائی در پیشرفت، توسعه و تحوّل جامعه و افراد آن داشته باشد، همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده و هست.

در این زمینه مطالعات علمی متعددی صورت گرفته و تعلیم و تربیت از ابعاد مختلف: اهداف، برنامه‌ها، راهبردها و شیوه‌های اجرایی، ویژگیهای مربیان و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

بدیهی است در جامعه اسلامی ما، اهداف برنامه‌ها و شیوه‌های تربیتی باید متناسب با اهداف و

برنامه‌های اسلامی، الهی باشد. برای شناخت تعلیم و تربیت اسلامی و اجرای آن، باید در منابع اسلامی

بخصوص قرآن کریم و سیره انبیاء الهی تأمل و مطالعه دقیق صورت گیرد. در قرآن کریم، قصص انبیاء عظیم

الشأن بخش گسترده‌ای از آیات را تشکیل می‌دهد که در برگیرنده مفاهیم و رهنمودهای تربیتی بسیاری

می‌باشد. در میان این قصص زندگی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت موسی(ع) انتخاب گردید. زیرا قرآن کریم

اهمیت زیادی به قصص این دو پیامبر الهی داده و در سوره‌های مختلف از آن‌ها یاد نموده است.

آنان از پیامبران اولوالعزم بوده و شریعت گسترده‌ای داشته‌اند و علاوه بر این مشترکات و مختصات در

سیره آنها وجود دارد که دلیل انتخاب ما بعنوان منبع تحقیق در زمینه مسائل تربیتی بوده است.

بنابراین هدف این تحقیق، دستیابی و تبیین بیشتر نکات و نشانه‌های تربیتی در زندگی حضرت

ابراهیم(ع) و حضرت موسی(ع) می‌باشد.

پس از بررسی زندگی آنها روشهای تربیتی چندی بدست آمد که مواردی از آن در ذیل ذکر می‌شود:

رشد، نقد باورهای جامعه و رسیدن به خالق هستی، ملایمت در جریان تربیت، برتری فکری مربی،

بیدارسازی فطرت، قلب سلیم، اعتلا به درجه یقین، استقامت، حلم و بردباری، آینده‌نگری، توکل،

محبت، دردآشنائی، حیا و آزر، یادآوری نعمتها، شرح صدر، رسایی سخن و غیره.

این موارد و نکات با توجه به آیات دیگر قرآن کریم، احادیث پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و با

مراجعه به تفاسیر و کتب معتبر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی

ربوبیت، تربیت، مربی، متربی

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: تربیت و قصص قرآن

تعریف تربیت..... ۴

قصص قرآن..... ۸

الگوگیری از زندگی انبیاء(ع)..... ۱۳

کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی حضرت ابراهیم (ع) از دیدگاه قرآن..... ۱۷

کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی حضرت موسی (ع) از دیدگاه قرآن..... ۱۹

ویژگیهای مشترک حضرت ابراهیم و حضرت موسی (علیهما السلام)..... ۲۱

فصل دوم: نشانه‌ها و روشهای تربیتی در زندگی حضرت ابراهیم(ع)

موقعیت جامعه در هنگام ولادت حضرت ابراهیم(ع)..... ۲۵

۱- رشد..... ۲۶

سیرتفکر حضرت ابراهیم(ع)..... ۲۸

مواجهه با قوم..... ۳۰

دعوت و ارشاد نزدیکان..... ۳۱

۲- ملایمت در جریان تربیت..... ۳۴

۳- برتری فکری مربی..... ۳۶

نقد باورهای جامعه و رسیدن به خالق هستی..... ۳۷

۴- بیدار سازی فطرت و وجدان خفته..... ۴۲

ابراهیم و نمرود..... ۴۴

۵- استدلال و برهان..... ۴۷

۶- مقام تسلیم..... ۴۹

۷- حقیقت..... ۵۳

۸- رشد معنوی..... ۵۴

۹- اعتلاء به درجه یقین..... ۵۶

۵۸ استقامت	۱۰ -
۶۰ حلم و بردباری	۱۱ -
۶۲ عبودیت	۱۲ -
۶۵ ابتلاء	۱۳ -
۶۹ امامت آخرین سیر تکاملی ابراهیم (ع)	۱۴ -
۷۱ آینده نگری	۱۵ -

فصل سوم: نشانه‌ها و روشهای تربیتی در زندگی حضرت موسی (ع)

۷۶ شرایط جامعه در هنگام ولادت حضرت موسی (ع)	۷۶
۷۸ ولادت و کودکی حضرت موسی (ع)	۷۸
۷۹ ۱- ایمان به خداوند و توکل بر او	۷۹
۸۲ ۲- محبت	۸۲
۸۵ دوران جوانی حضرت موسی (ع)	۸۵
۸۷ ۳- مراحل بلوغ	۸۷
۸۹ ۴- علم و حکمت	۸۹
۹۱ هجرت	۹۱
۹۳ ۵- یآوری مظلومین	۹۳
۹۵ ۶- درد آشنایی	۹۵
۹۸ ۷- حیا و آزر	۹۸
۹۹ ۸- ازدواج ساده و بی آرایش	۹۹
۱۰۱ بعثت حضرت موسی (ع)	۱۰۱
۱۰۳ رسالت حضرت موسی (ع)	۱۰۳
۱۰۷ ۹- تبیین ربوبیت	۱۰۷
۱۰۹ ۱۰- یادآوری نعمتها	۱۰۹
۱۱۴ ۱۱- شرح صدر	۱۱۴
۱۲۱ ۱۲- استمداد از خداوند برای آسان شدن کار	۱۲۱

۱۲۳	۱۳ - رسائی سخن
۱۲۵	۱۴ - یاور شایسته
۱۲۶	۱۵ - هدف عالی و غایت نهائی
۱۲۷	۱۶ - کرامت و زمینه سازی آن در جامعه
۱۲۹	رویاروئی با ساحران
۱۳۲	۱۷ - تجلی ایمان
۱۳۴	میقات
۱۳۶	۱۸ - تعیین جانشین و ارشاد او
۱۴۰	۱۹ - انتخاب روش تربیتی مناسب
۱۴۸	۲۰ - اصلاح امتها بعد از فساد آنها
۱۵۱	حضرت موسی (ع) و عبد صالح
۱۵۴	منابع

پیشگفتار

«هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان

کانوا من قبل لفی ضلال مبین»^(۱)

بدون تردید یکی از مسائلی که در فرهنگ اسلامی مورد توجه فراوان بوده و هست، مسئله تربیت و سازندگی شخصیت انسانهاست و این نکته بخوبی در آیات متعدد قرآن کریم، سیره انبیاء الهی و امامان معصوم (علیهم السّلام) مشهود است.

یکی از علل بعثت انبیاء الهی و اهداف رهبران بزرگ در طول تاریخ، تربیت انسانها و افراد مؤمن و شایسته است که بهترین نمونه آن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) می باشد که در طول فعالیتها و مبارزات خود هرگز مسئله تربیت را فراموش نکرده و همیشه بطور جدی در این راستا تلاش نمود.

فرهنگها و مکاتب مختلف فکری دیگر نیز به اهمیت این مسئله پی برده و تلاشهای زیادی در این جهت نموده اند ولی انسان علیرغم کوششهای فراوانی که در زمینه دانش، فن آوری و علوم انسانی نموده است، همچنان در رابطه با مسئله تربیت با ابهامات و مشکلات عدیده ای روبرو بوده و توفیق زیادی در این رابطه نداشته است. که شاید علل این «کم توفیقی» را بتوان در دو علت کلی خلاصه نمود:

الف - عدم توفیق انسان در شناخت حقیقت فطری، الهی وجود خود

ب - توجه و انس بیش از حد انسان به امور مادی و دنیوی و غفلت از امور معنوی، قرب الهی و عبودیت، که هدف از خلقت او بوده است.

در جامعه اسلامی امروز ما که به یمن فداکاری، ایثار و شهادت انسانهای تربیت یافته در مکتب اسلام بدست آمده و شاهد تثبیت ارزشهای اصیل اسلامی می باشیم، همواره دست اندرکاران دلسوز تعلیم و

تربیت در صدد دستیابی به راهها و روشهای مؤثرتری در این زمینه بوده‌اند و تحقیقات و مطالعات متعددی در این رابطه صورت گرفته است و از یافته‌های مختلف روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی کشورهای دیگر نیز بهره‌جسته‌اند. البته استفاده آگاهانه از این یافته‌ها مفید است ولی نباید فراموش کرد که مادر منابع اسلامی خود به ویژه، در قرآن کریم و در سیره‌انبیا بزرگ الهی اصول، نکات و رهنمودهای بسیار مفیدی داریم که می‌تواند در این جهت راهگشای ما باشد.

در تحقیق حاضر، هرچند بطور مختصر با مروری بر سرگذشت دو نفر از انبیاء اولوالعزم الهی، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) سعی شده که نشانه‌ها و روشهای تربیتی که در زندگی، اعمال و گفتارهای این دو پیامبر الهی وجود دارد مورد بررسی قرار گرفته و از این رهگذر رهنمودهای مفیدی را در تعلیم و تربیت اسلامی تبیین نمائیم.

فصل اول

تربیت و قصص قرآن

تعریف تربیت

«تربیت اسلامی» عنوانی است که استعمال فراوان یافته است و برای نشان دادن طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان بکار می‌رود.

در لغت نامه درباره این کلمه چنین آمده است:

«رَبَّیٌّ: تَرْبِیَّةٌ وَ تَرْبِیُّ الْوَالِدِ: غَذَاءٌ وَ جَعْلُهُ یَرْبُو، هَذَبَهُ» این واژه که از ریشه «رب و» و در باب تفعیل

است به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنی تغذیه طفل نیز بکار می‌رود.

همچنین به معنی «تهذیب» نیز استعمال می‌گردد که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است.^(۱)

البته در قرآن هرگاه این کلمه در رابطه با انسان بکار رفته است بیشتر مفهوم رشد و نمو جسمی مراد بوده

است، هرچند گاهی منظور رشد عقلانی نیز بوده است. چنانچه در داستان حضرت موسی (ع) و فرعون

می‌بینیم، وقتی موسی (ع) در برابر طغیان و استکبار فرعون قیام می‌کند تا مستضعفان را نجات دهد، فرعون

او را بازشناخت و گفت:

«الم نربک فینا ولیداً و لبثت فینا من عمرک سنین»^(۲)

«آیا ما تو را در کودکی در میان جمع خود تربیت نکردیم و سالهایی از عمر خود را در میان ما

نگذرانیدی؟»

مراد فرعون آن است که تو طفلی در معرض هلاکت بودی و ما تو را از آب گرفتیم و بزرگ نمودیم. در

اینجا فرعون خود را مرئی موسی (ع) معرفی می‌کند و حضرت موسی (ع) نیز این را نفی نمی‌کند، زیرا منظور

رشد جسمانی است نه تهذیب اخلاقی. فرعون هرگز در راه پرورش عواطف، ایمان، ادب و شخصیت

موسی (ع) گامی برنداشته است، بلکه با فراهم کردن امکانات مادی او را بزرگ نموده است. اما از نظر مفهوم

کلمه «تربیت» از ریشه (رب ب) استعمال فراوانی در قرآن دارد.^(۳)

۱- المنجد.

۲- سوره شعراء آیه ۱۸.

۳- در کتاب مفردات راغب و همچنین «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» (حسن المصطفی) یادآور شده‌اند که ماده (رب و) خود از ماده (رب ب) و بر اساس اشتقاق اکبر مشتق شده است. همچنین ریشه‌های (رب ا) و (رب ب) نیز بر همین اساس از آن مشتق شده‌اند.

در لغت آمده است :

«رَبٌّ مُرَبِّياً الْقَوْمَ : سَاسَهُمْ وَكَانَ فَوْقَهُمْ وَ رَبُّ الشَّيْءِ : مُلْكُهُ

الرَّبِّ (مصدر) : السَّيِّدُ ، الْمَالِكُ»^(۱)

یعنی در این کلمه دو عنصر معنایی وجود دارد : «مالکیت» و «تدبیر»

رَبٌّ به معنی مالک مدبّر است . یعنی هم صاحب است و تصرف در مایملک از آن اوست و هم تنظیم و

تدبیر مایملک در اختیار اوست .

در مفردات نیز چنین آمده است :

«رَبٌّ : الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ انْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ»^(۲)

یعنی گرداندن و پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایت . رَبٌّ در معنای مصدری معادل تربیت گرفته

شده است .

در کلمه رَبٌّ هم مفهوم خداوندگاری و صاحب اختیاری نهفته است و هم معنای تکمیل کننده و

پرورش دهنده است .

خدا است که هم صاحب اختیار عالم است و هم کمال رسان همه عالم می باشد.^(۳)

با دقت در آیات قرآن مشاهده می کنیم که یک مسئله عمده و جهت همت انبیاء (ع) بوده است و آن تبیین

مسئله ربوبیت می باشد . و این مسئله محور دعوت و درگیریهای انبیاء (ع) بوده است .

انسان به هر حال برای خود «رب» برمیگزیند یعنی کسی یا چیزی را مالک و مدبّر خویش می گیرد . گاه

آدمی به هوس خویش گردن می نهد . «أَفْرَيتَ مِنْ اتَّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ»^(۴)

و یا به هوس خلق گردن نهاده و تسلیم آنان می گردد . «وَلَمَّا اتَّبَعَتْ أَهْوَاهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

مَالِكٌ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»^(۵)

۱- المنجد

۲- آشنائی با قرآن (سوره های جمعه و بقره)

۳- المفردات فی غریب القرآن

۴- سوره بقره آیه ۱۲۰

۵- سوره جاثیه آیه ۲۳

ولی انبیاء علیهم السلام آمده‌اند تا انسان را هدایت نموده که خدا را بعنوان یگانه ربّ انسان و جهان بشناسد و او را به عنوان مالک و صاحب اختیار خویش برگزیده و از قید ربوبیت غیر خدا آزاد شود.

و این همان تعریف تربیت از نظر قرآن می‌باشد یعنی «ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان».

انسان در زمین که موطن رشد اوست خلیفه خداوند است «أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^(۱) بنابراین اقتضای مقام خویش استعداد آن را دارد که خداگونه شود و با دوری از رذایل و آلودگیهای روحی، استعدادهای عالیّه ملکوتیش را شکوفا ساخته و چنان به کمالات و فضائل آراسته گردد که لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوبی را کسب و با وصول به حق، به سعادت جاودان برسد. به همین جهت است که مفهوم تربیت از افق تعلیمات آسمانی هرگز در چارچوب استعدادهای ظاهری انسان متوقف نمی‌ماند، بلکه عمیقترین و ظریفترین جهات فکری، روحی و معنوی وی را در بر می‌گیرد.

به دلیل همین عنایت ویژه به مسئله ربوبیت است که در قرآن کریم بعد از لفظ جلاله «اللّه» بیشترین وصفی که در مورد خداوند متعال بکار رفته است، واژه «رب» می‌باشد که در حدود ۹۰۰ مرتبه تکرار گردیده است. و ادعیه انبیاء(ع) اکثراً با چنین خطابی آغاز گردیده که نشانه مراعات ادب از جانب آن حضرات می‌باشد. همچنین ربوبیت خدا واسطه ارتباط بنده با خدای خود و فتح باب در هر دعا می‌باشد و نوعی عطوفت و توجه به مخلوق را در بردارد. حتی در مواردی که از لفظ «اللهم» استفاده شده است بعد از آن «ربّنا» گفته‌اند تا بیانگر این صفت الهی باشد.

بنابراین تربیت اسلامی را می‌توان چنین تعریف نمود.

«شناخت خدا به عنوان یگانه ربّ انسان و جهان، و برگزیدن او به عنوان ربّ خویش، پذیرش عملی

این ربوبیت و دوری جستن از ربوبیت غیر خدا»

انسانهایی که به چنین درجه‌ای نائل شوند را خداوند «ربّیون» و «ربّانیون» نامیده است و «ربّی» و

«ربّانی» به معنی منسوب به «ربّ» هستند. با این تفاوت که واژه «ربّانی» مبالغه آمیزتر است اگر به آیاتی که

این دو واژه در آنها بکار رفته است توجه کنیم لطف این مبالغه آشکار می شود زیرا «رَبِّی» به کسی اطلاق شده که در اصطلاح رایج او را شاگرد یا مترَبِّی می گویند و «رَبَّانِی» به کسی که اصطلاحاً استاد و یا مربی نامیده می شود، اطلاق گردیده است و این بدان معنی است که وجه انتساب استاد به «رَبِّ» باید عمیقتر و بارزتر از مترَبِّی و شاگرد باشد.

«و کَآئِن مِّن نَّبِیٍّ قَاتِل مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیْرٌ» و چه بسیار از پیامبران بودند که رَبِّیُّون فراوانی به همراه آنها در راه خدا جنگیدند. «رِبِّیُّون» جمع «رَبِّی» است و در اینجا به پیروان پیامبران اطلاق شده است.

«و لکن کَانُوا رَبَّانِیِّنَ بِمَا کُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ الْکِتَابِ وَ بِمَا کُنْتُمْ تَدْرُسُوْنَ وَ لَا یَاْمُرُکُمْ اَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِکَةَ وَ النَّبِیِّیْنَ اَرْبَاباً...»^(۱)

«بلکه شما باید ربَّانِی باشید چنانکه کتاب را به دیگران می آموزید و خود نیز می خوانید و هرگز خدا به شما نمی گوید که فرشتگان و پیامبران را ربِّ خود بگیرید...»

با توجه به تعریف تربیت می توان مفاهیمی چون «تَظْهِیْر» و «تَرْکِیْه» خویش را نیز از لوازم آن دانست. در مفردات «تَرْکِیْه» را چنین تعریف کرده است:

«اَصْلُ الزَّكَاةِ النَّمُو الْحَاصِلُ عَنْ بَرَکَةِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَ یَعْتَبَرُ ذَلِکَ بِالْاُمُوْر الدُّنْیَوِیَّةِ وَ الْاٰخِرَوِیَّةِ»^(۲)

اصل زکات (که مرادف تزکیه است) رشد و نموی است که از برکت خداوند متعال حاصل می شود و این هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی در نظر گرفته می شود.

تزکیه نیز رشد دادن و بزرگ کردن است اما آن رشد که خدایی بوده و در جهت خیر و برکت و سعادت

باشد

«قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّیْهَا»^(۳)

بر اساس این آیه تزکیه باید از جانب خود فرد شروع گردد و البته خداوند نیز معیارها و ضوابط را در